

# معلمان، انتظارات جامعه و دانش آموزان

سید نعمت الله ابطی

اعضای خانواده و اطرافیان محدود به تأمین غذا، تأمین امنیت، مراقبت از خود، حمایت از خانواده و از این قبیل.

فرزند در ارتباط با اطرافیان و به ویژه با والدین این نیازها را می‌شناخت و با تجربه‌ی مستقیم، آن‌ها را فرا می‌گرفت و انجام می‌داد. ولی کم‌کم ارتباطات پیچیده‌تر، مشکلات درهم تنیده‌تر و نیازها متنوع‌تر شد و بسیاری از راه‌کارهای حل مشکلات به دست دیگران سپرده و لازم شد که آن تجارب جمع‌آوری و انتقال داده شود. بنابراین ریش‌سفیدان و تجربه‌گرایان بخشی از این وظیفه را به‌عهده گرفتند و به‌کمک خانواده آمدند و این روند ادامه یافت تا عده‌ای به‌صورت نیمه رسمی یا رسمی این کار را به‌عهده گرفتند و همین موجب شد که کم‌کم خانواده از مسؤلیت مستقیم خود به تدریج شانه خالی کند و این وظایف به‌عده‌ای به‌نام معلم در مکانی خاص به‌نام مکتب یا مدرسه واگذار شود.

در جوامع اولیه نیازها محدود و به‌علت ایستایی جامعه، ثابت بود. تأمین این نیازها در آینده به‌وسیله‌ی یادگیری و تجربه‌ی شخصی زیر نظر والدین به‌سادگی انجام می‌گرفت و توقع‌های جدید به‌وجود نمی‌آمد و ناکامی کم‌تر بود. اما اکنون با توجه به توسعه‌ی روزافزون دانش و فناوری و ظهور ارزش‌های جدید (چه درست و چه نادرست) نسل نو دائماً در بمباران اطلاعات جدید قرار می‌گیرد، نیازها، گسترده و عمیق‌تر می‌شود، به‌طوری‌که امروزه آموزش و پرورش مدرسه‌ای (رسمی) مناسب جزو مطالبات اصلی جوامع توسعه یافته است و تعالی فرد، پیشرفت و ترقی جامعه را

گرچه دانش‌آموز و معلم در زیرمجموعه‌ی آموزش و پرورش و آموزش و پرورش در زیرمجموعه‌ی جامعه است ولی به‌علت نقش مهم دانش‌آموز و معلم و رویارویی آنان برهم به‌عنوان عناصر مهم در تربیت، تأثیر متقابل آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

اما انتظارات جامعه<sup>(۱)</sup> از آموزش و از معلمان در برنامه‌ی پنج ساله به‌صورت کلی و با اهداف کلی با عنوان جهت‌گیری تعلیم و تربیت در قانون اهداف و وظایف تعلیم و تربیت و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی و اصولی، در طرح کلیات نظام آموزش و پرورش آمده است.

در این نوشته، ما نه فرصت برای بازگویی منابع فوق و نه تحلیلی بر آن‌ها داریم و تنها با توجه به‌موضوع مقاله اشاراتی بر انتظارات متقابل «جامعه و معلم» و «دانش‌آموز و معلم» می‌نماییم. استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموعه‌ی باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های آن به‌نسل‌های جدید منتقل شود. ساخت و کار<sup>(۲)</sup> با وسیله‌ی این انتقال، آموزش و پرورش است که به‌دست معلم انجام می‌گیرد. آموزش و پرورش، به‌معنی اعم مترادف با جامعه‌پذیری<sup>(۳)</sup> است، یعنی، فرآگردی<sup>(۴)</sup> است که افراد از طریق آن یادگیری نقش‌ها، قواعد، روابط و به‌طور کلی، فرهنگ جامعه‌ی خود را می‌پردازند.

آموزش و پرورش به‌معنی‌اخص، فرآگردی است که به‌واسطه‌ی آن افراد در وضعیت‌های اجتماعی سازمان یافته و در معرض آموزش منظم دانش‌ها، مهارت‌ها، رفتارها و گرایش‌های معینی قرار می‌گیرد. در هر جامعه، این وضعیت‌ها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمان‌های رسمی آن شکل می‌یابند (علاقه‌بند، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

## آموزش و پرورش در جوامع اولیه:

در جوامع اولیه نیازهای اولیه مطرح بود، برقراری ارتباط با

۱ - انتظارات نهادی از نهاد دیگر بدون رابطه عکس، مرخم به‌نظر می‌رسد. بنابراین این انتظارات جامعه از معلم باید با تکمله‌ای مانند انتظارات متقابل معلم از جامعه همراه باشد و این به‌معنی یک داد و ستد یا معامله نیست بلکه یک تعامل فعالی است که پویایی به‌وجود می‌آورد.

2 - Mechanism

3 - Process

4 - Socialization

۱۳- وضعیت امنیت فردی (عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و ...)

۱۴- سوانح و حوادث طبیعی یا غیرطبیعی، بیماری‌ها، بهداشت محیط، بهداشت فردی

۱۵- قوانین و قضا، تشویق‌ها و تنبیه‌ها و چگونگی نگرش اطرافیان به‌خطاها

۱۶- وسایل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، کتابخانه‌ها، اینترنت، ماهواره‌ها و ...)

## انتظارهای جامعه، خانواده‌ها و دانش‌آموزان از معلمان

جامعه انتظارهای خود از معلمان را به‌چهار شکل نشان داده است:

الف: ابراز انتظارات به‌شکل قوانین که به‌وسیله‌ی نمایندگان جامعه تدوین شده که در قانون اساسی، قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش و طرح‌های تغییر نظام آموزش و پرورش آمده است.

ب: ابراز نظر به‌وسیله‌ی خبرگان جامعه که به‌وسیله‌ی علمای تعلیم و تربیت به‌صورت مقاله‌ها یا کتاب به‌چاپ رسیده است.  
ج: مشارکت اولیا در انجمن‌ها، اظهارنظرها، نقدها که در رسانه‌های مختلف ابراز می‌شود.

د: هم‌فکری‌های تخصصی معلمان که خود اولیا دانش‌آموزان هستند و به‌ویژگی‌های دانش‌آموزان و نیازهای فردی و اجتماعی آگاهی دارند.

علاوه بر این‌ها دانش‌آموزان با ابراز علاقه به‌معلمانی که به‌نیازهای شناختی، عاطفی، روانی، اجتماعی، اعتقادی آنان توجه می‌کنند، انتظارات خود را نشان می‌دهند و معلمان آگاه این توجه دانش‌آموزان را به‌عنوان پیامی از انتظارات دانش‌آموزان ترجمه می‌کنند.

با توجه به‌موارد فوق برخی از انتظارات جامعه و دانش‌آموزان از معلمان را می‌توان در جملات زیر دید:

منوط به آن می‌دانند. یادگیری‌های دانش‌آموزان گرچه از منابع غیر از آموزش و پرورش بسیار زیاد است ولی این یادگیری‌ها هر چند درست باشد برنامه‌ریزی شده و متعاقب هدف‌های آشکار نیست و جای تردید دارد. اما از نظر والدین (به‌هر حال) باید پذیرفت که دامنه‌ی آموزش و پرورش در دنیای امروز وسیع‌تر از آموزش و پرورش مدرسه‌ای است. گاه این آموزش‌ها موازی و هم‌جهت آموزش و پرورش مدرسه‌ای است و موجب تقویت دستیابی سریع‌تر به‌هدف‌های تعلیم و تربیت می‌شوند و گاه در جهت عکس هدف‌ها انجام می‌گیرد و دستیابی به‌هدف‌های تعلیم و تربیت را مشکل‌تر می‌سازد.

عوامل آموزشی غیر از سیستم آموزش رسمی که در تربیت مؤثرند را می‌توان به‌صورت زیر مورد توجه قرار داد:

۱- خانه و خانواده و تمام آنچه پیرامون آن می‌گذرد (روابط اعضای خانواده، سرگرمی‌ها، جشن‌ها، مراسم و ...)

۲- همسایگان و اهل محل

۳- شهروندان و روابط شهروندی (مراکز خدماتی، فروشگاه‌ها، مؤسسات، مانند سازمان شرکت واحد و ...)

۴- هم‌سالان و ارتباطات (در شکل‌ها، انجمن‌ها، تیم‌های ورزشی و ...)

۵- طبیعت، وضعیت آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی محل زندگی (کنار دریا، کنار کویر، کوهستان و ...)

۶- نهادها و فعالیت‌های دینی

۷- کار و پیشه (روابط با همکاران، میزان کار، وضعیت اجتماعی کار، شأن شغلی و ...)

۸- چگونگی قوانین مدنی، حقوق فرد و جامعه، قوانین و مقررات و مسایل شهروندان

۹- مهاجرت‌ها و جهان‌گردی، انتقال فرهنگ

۱۰- شرایط زندگی شهری (مدنی)، وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، آداب و رسوم جوامع مختلف

۱۱- زیبایی‌ها و زشتی‌های محیط اطراف (تقویت روابط

حسنة، تکیه‌کلام‌ها، زیباسازی شهر، بر خوردهای مطلوب).

۱۲- عضویت در گروه‌ها، حزب‌ها، تشکل‌ها.

## ۱- انتقال فرهنگ:

این دگرگونی‌ها به تخصص‌های بزرگ و کوچک تقسیم می‌گردد و لازم است افراد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای لازم را ببینند و از این گذشته با توسعه فناوری تخصصی نیز تحول می‌یابد و افراد متخصص باید آمادگی پذیرش این تغییرات را داشته باشند و این آموزش و پرورش و به‌ویژه معلمانند که برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز این آمادگی را به‌وجود می‌آورند.

فرهنگ آموختنی است، در همه‌ی جوامع، میراث فرهنگی مورد اعتناست و چون بر اثر غفلت ممکن است از میان برود از این رو، انتقال آن به‌افراد جامعه، به‌ویژه، نسل‌های جدید اهمیت خاصی پیدا می‌کند.

در جوامع اولیه (ایستا)، همان‌طور که می‌دانیم، این وظیفه از راه شرکت کودکان و نوجوانان در فعالیت‌های زندگی روزمره و از راه مشاهده، تقلید و یادگیری ضمن کار آموزی و کارورزی، صورت می‌گرفت، در این شرایط، همه‌ی بزرگسالان در نقش معلم و همه‌ی جاها در نقش مدرسه عمل می‌کردند، این امر تا زمانی که جامعه، ایستا و فرهنگ دچار تحول نمی‌شود، امکان‌پذیر است. اما در جامعه‌ی پویا، با تحول و نوگرایی، فرهنگ پیچیده‌تر و تغییرات فرهنگی - اجتماعی سرعت می‌گیرد و جریان تغییر، انتقال فرهنگ ناب را از نسلی به‌نسل دیگر دشوار می‌سازد.

در نتیجه بر ای‌انتقال فرهنگ از نسل قدیم به‌نسل جدید و گزینش عناصر فرهنگی مطلوبی که در جریان تغییر مؤثرند و ترکیب این عناصر با فرهنگ بومی و باز آفرینی فرهنگی<sup>(۱)</sup> نهاد آموزش و پرورش ضرورت پیدا می‌کند و این معلمانند که در این نهاد این وظیفه‌ی بزرگ را به‌عهده دارند. (منظور از انتقال فرهنگ ناب، پاسداری و بزرگداشت سنت‌ها، ارزش‌ها، اعتقادات و تبلور دادن آن‌ها در نوجوانان است و در جریان این انتقال ممکن است سنت‌ها و ارزش‌ها نقد شود و از این رو بازسازی فرهنگی لزوم پیدا می‌کند.)

## ۲- جامعه‌پذیری:

انتقال ارزش‌ها، گرایش‌ها، هنجارها و آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی، به‌منظور اجتماعی کردن (پرورش اجتماعی) نسل‌های جدید جامعه صورت می‌گیرد. انسان اجتماعی است و به‌ایزراه‌های اجتماعی نیاز دارد و ابزارهای اجتماعی (به‌ویژه ارتباطات) در هنجارهای اجتماعی و آداب و رسوم ملحوظ است.

## ۳- تربیت افراد متخصص:

تحولات اجتماعی با گسترش دانش و فناوری همراه است و

## ۴- تربیت و آموزش اخلاقی:

آموزش و پرورش با انتقال ارزش‌ها، بنا به‌تعهد خود به‌نهادهای اجتماعی، عملاً در ساخت و کنترل اجتماعی مشارکت دارد (الوین تافلر، ص ۵۰)، چون خودمحموری به‌منزله‌ی تهدیدی برای نظم اجتماعی است، از این رو، آموزش و پرورش رسمی می‌تواند از طریق تربیت و آموزش اخلاقی، این تهدید را کاهش دهد. معلم با سجایای اخلاقی محور این تربیت است (فردریک مایر، ص ۱۰).

## ۵- وحدت اجتماعی<sup>(۲)</sup>:

آموزش و پرورش رسمی، وسیله‌ی مهم تبدیل یک جامعه‌ی نامتجانس، به‌جامعه‌ای یگانه و یک‌پارچه از طریق توسعه و تقویت فرهنگ و هویت مشترک است. از این رو ظهور دولت‌های مردمی با ایجاد نظام‌های آموزش و پرورش همگانی مقارن بوده است. مدارس، از طریق آموزش و پرورش رسمی، به‌یک‌پارچگی اقوام مختلف داخل کشور و تعلق به‌یک ملیت را در آن‌ها تقویت می‌کنند. اندیشه‌ی وحدت‌گرایی معلم ضامن هویت ملی دانش‌آموزان است.

## ۶- نوآوری و تغییر:

جوامع سنتی یا در حال توسعه در برخورد با جوامع پیشرفته روی سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای خود تأمل می‌کنند و گاهی آن‌ها را زیر سؤال می‌برند و پس از بررسی، از یافته‌های دیگران که به‌نظر مفیدتر می‌رسد گزینش می‌کنند و کم‌کم تغییر ایجاد می‌شود، این

1 - Cultural - Reproduction

2 - Social Integration

تغییرات جنبه‌ی نوآوری یا اصلاح‌دارد (پل لانگران، ص ۴).

منتقل می‌شود. کلاس جایگاهی برای اعمال نظر شخصی نیست و چون معلم عضو نهاد آموزش و پرورش است و نهاد آموزش و پرورش نهاد ملی می‌باشد، پرورش سیاسی متوجه تقویت احساس ملیت است.

#### ۷- پرورش رشد شخصیت:

مدرسه را بیشتر به‌عنوان جایگاه گذر از یک دنیای شخصی، به‌دنیای جمعی تلقی می‌کنند. در اثر عبور از دنیای فردی به‌دنیای اجتماعی، ویژگی‌های اجتماعی غالباً حاکم بر ویژگی‌های شخصی می‌شود و انسان تحت تأثیر فضا و اتمسفر جمع، رفتاری را نشان می‌دهد که احتمالاً در موقعیت تنهایی نشان نمی‌دهد. وقتی انسان در ارتباط با جمع به‌صورت مستمر قرار گیرد رفتارهای اکتسابی از طریق مشارکت به‌صورت رفتارهای فردی در می‌آید. این رفتارها می‌تواند در جنبه‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی باشد، فضای مطلوبی که به‌وسیله‌ی معلم ایجاد می‌شود زمینه‌ی رشد و تعالی دانش‌آموزان را به‌وجود می‌آورد (طرح کلیات تغییر نظام ۷۱-۶۸).

#### سخن آخر:

آنچه که گذشت انتظاراتی بود که جامعه و دانش‌آموزان از آموزش و پرورش داشت ولی چون در آموزش و پرورش این معلم‌اند که فعالیت‌های تربیتی را انجام می‌دهند، پس مخاطبان اصلی جامعه و دانش‌آموزان معلم‌اند، اما فراتر از آنان، اندیشه‌ها، سخن‌ها و رفتارهای معلم است که پندارها، گفتارها و کردارهای دانش‌آموزان را شکل می‌دهد و بیشتر انتظارات دانش‌آموزان این است که معلمان خوب بیاندیشند، گفتارهای عاطفی با بار مثبت و سازنده داشته باشند و رفتارهای متناسب شغل معلمی که شغل انبیا است را داشته باشند (شعاری‌نژاد، ص ۵).

#### ۸- نوسازی جامعه<sup>(۱)</sup>:

در جوامع عقب‌مانده، تولید کم، ضایعات تولید زیاد، فناوری کهنه، هزینه‌ی تولید زیاد، توزیع ناقص، تقلب زیاد، بی‌اعتنایی به‌قوانین معمول است. برای نوسازی و نواندیشی باید امکانات تولید را با افزایش مهارت‌های نیروی کار، کاربرد فناوری مناسب، تولید بالا و کاهش هزینه‌ها، توزیع صحیح، تعهد به‌رعایت قوانین، بالا بردن بهداشت فردی - اجتماعی و محیط کار، بالا بردن و تقویت وجدان و شعور اجتماعی، اقدامات تربیتی جدی، یکی از محورهای مهم اقدامات تربیتی معلمان صالح است (شعاری‌نژاد، ص ۴۶).

#### منابع:

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، فلسفه‌ی آموزش و پرورش، تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۲.  
علاقه‌بند، علی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، نشر روان، ۱۳۷۸.  
لانگران، پل، مقدمه‌ای بر آموزش مداوم، ترجمه لیلی ایمن (آهی)، کمیته‌ی ملی پیکار جهانی با بیسوادی، ۱۳۵۲.  
مایر، فردریک، تاریخ فلسفه‌ی تربیتی، ترجمه علی‌اصغر فیاض، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.

#### ۹- پرورش سیاسی<sup>(۲)</sup>:

آموزش و پرورش رسمی، چه آشکار و چه پنهان، در برنامه‌ها و کتاب‌های آموزشی خود، متضمن اهداف پرورش سیاسی است. موضوع‌هایی نظیر ایدئولوژی، توصیف نظام‌های سیاسی، اقتدار ملی و سیاسی، شرایط شهروندی، لزوم وفاداری و وظیفه‌شناسی ملی و ... در برنامه‌های آموزشی بر اهداف سیاسی دلالت دارد، دیدگاه سیاسی معلم خواه‌ناخواه در ابراز عقاید به‌دانش‌آموزان

1 - Modernization

2 - Political Sociolization